

داستانی از منوچهر احترامی

- مارها قورباغه ها را می خوردند و قورباغه ها غمگین .
- قورباغه ها به لك لك ها شکایت کردند .
- لك لك ها مارها را خوردند و قورباغه ها شادمان .

- لك لك ها گرسنه ماندند و شروع كردند به خوردن قورباغه ها
- قورباغه ها دچار اختلاف دیدگاه .
- عده اي از آنها با لك لك ها کنار آمدند و عده اي ديگر خواهان باز گشت مارها .

● مارها باز گشتند و همپاي لك لك ها شروع به خوردن قورباغه ها

● حالا ديگر قورباغه ها متقاعد شده اند كه براي به دنيا مي آيند!

● تنها يك مشكل براي آنها حل نشده باقي مانده

:

اينكه

مي شوند يا دشمنانشان!